

فراخوان نقد دانشگاه آزاد اسلامی/۱

ریل دانشگاه تغییر کرده اما لوکوموتیوهای زغالی همچنان باقی است

بهنام شوقی نوشت: دانشگاه با تغییر ریل به دانشگاه سوم و چهارم تبدیل نخواهد شد تا زمانی که بسترسازی مناسب انجام شود و سازمان و نیروهای آن متعالی شوند؛ به عبارتی از لوکوموتیوهای زغالی به قطارهای سریع‌السیر تبدیل شود و برای آن پیشنهاد می‌شود که مرکزی به صورت متمرکز موضوع را به صورت علمی در دانشگاه عهده‌دار شود.

به گزارش ایسکانیوز، در پی فراخوان دکتر محمدمهدی طهرانچی برای نقد مدیریت یکساله او بر بزرگترین دانشگاه کشور، باشگاه خبرنگاران دانشجویی نقدهای رسیده را به صورت سلسله‌وار منتشر می‌کند.

دکتر طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در مراسمی که به مناسبت روز دانشجو برگزار شد، با اشاره به اینکه باید زبان و کلام دانشجو را شنید، گفته بود که از دانشجویان درخواست دارم در نشریات خود عملکرد یک ساله من و دانشگاه آزاد را مورد نقد و بررسی قرار دهند. از دانشجویان می‌خواهم در نشریات خود، ویژه‌نامه‌هایی در نقد عملکرد من منتشر کنند و شخصا از نقدهای برتر دانشجویان تقدیر خواهم کرد.

در همین راستا، باشگاه خبرنگاران دانشجویی اعلام آمادگی می‌کند تا نقد و نظرهای دانشجویان را از طریق آدرس الکترونیکی . دریافت کرده و به نام نویسندگان آن روی خروجی خود منتشر کند. پر واضح است که محتوای این نقدها مورد تایید ایسکانیوز نیست.

بهنام شوقی، مدیرمسئول نشریه دانشجویی سایار واحد ارومیه؛ شاید یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که پس از تغییر رئیس دانشگاه آزاد اسلامی مطرح شد، موضوع تغییر در ریل دانشگاه بود. دانشگاهی که در گذشته بیشتر به موضوع آموزش پرداخته بود حالا به دانشگاه نسل سوم و چهارم تبدیل می‌شود و موضوعات فرهنگی، پژوهشی و کارآفرینی به دقت در این دوره مورد توجه قرار گرفته است. موضوعاتی که نه تنها مشکلات دانشگاه را حل می‌کند بلکه می‌تواند در جامعه و حل مشکلات اجتماعی نیز تأثیر گذار باشد؛ اما سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که: آیا دکتر طهرانچی فقط با تغییر ریل به مقصد خواهد رسید؟

جواب این سؤال کاملاً روشن است چون ریل‌ها همیشه به مقصد وصل می‌شوند و امکان تغییر مسیر در آنها اتفاق نمی‌افتد و دانشگاه‌ها هم در این مسیر قرار می‌گیرند و برنامه‌های مشخص شده را دنبال خواهند کرد اما چه مدت زمان برای آن در نظر گرفته‌اند، آیا لوکوموتیوهای زغالی ما را به مقصد نمی‌رسانند؟

شاید اهمیت دادن به زمان نشان دهد که ما چقدر به تغییرات اساسی نیاز داریم. اکثر واحدهای دانشگاهی امروز فقط رئیس واحد دارند و مدیر واحد ندارند به نظر می‌رسد وجود مدیر در شرایط کنونی واجب تراز رئیس است؛ چون مدیر لایق می‌تواند برای دانشگاه برنامه داشته باشد و نقاط قوت و نقاط ضعف آن را بشناسد و از تهدیدات و فرصت‌ها استفاده کند.

مدیر می‌داند که در شرایط کنونی چگونه برای دانشگاه برنامه‌ریزی کند. برای مدیریت، داشتن آمار و اطلاعات از ارزش بیشتری برخوردار است و این موضوعی است که روسای واحدها کمتر به آن توجه می‌کنند و برای آنها آمار در تعداد دانشجو و میزان بودجه تعریف می‌شود که ساده‌ترین آمار به حساب می‌آید و در اینجا است که مدیر می‌تواند از ظرفیت‌های بلا استفاده هیئت علمی و دانشگاه استفاده کند و با در اختیار داشتن اطلاعات و آمار تخصصی نقش مهمی را در موفقیت دانشگاه داشته باشد. هیئت علمی بصورت زنجیروار و حلقه‌ای به دانشجو متصل می‌شود و دانشگاه از مجموعه کارمند، دانشجو و هیئت علمی تشکیل شده‌است و حرکت هر کدام باعث حرکت مجموعه دانشگاه می‌شود.

پایان‌نامه‌های دانشجویی و مقاله و پژوهش‌های علمی باید با اولویت به مشکلات دانشگاه بپردازند و یک مدیر برای اداره یک دانشگاه بداند که حلقه‌های مفقوده کجا هستند. البته در اینجا هم بسی جای تأمل است چون بعضی از مدیران سریع حلقه ضعیف را پیدا کرده و جایگزین می‌کنند در حالی که مشخص نیست این جایگزینی اثرساز خواهد بود یا نه و به نظر می‌رسد اگر آمار و اطلاعات دقیق در دست مدیران باشد می‌تواند تصمیم بهتری بگیرند و در جاهایی با کمی تقویت حلقه، دیگر به هزینه کردن زیاد و تغییرات احتیاجی نیست.

توجه به موضوع مدیریت و تحقیقات مرتبط، موضوع حسابداری صنعتی، حسابداری مدیریت می‌تواند اطلاعات سودمندی در خصوص مدیریت بحران در وضعیت کنونی دانشگاه در اختیار مدیران دانشگاه قرار دهد.

موضوعی دیگر که نه در گذشته و نه در حال به آن توجه می‌شود موضوع تعالی سازمانی است. موضوعی که بسیاری از مؤسسات و شرکت‌های موفق در دنیا به آن توجه کرده‌اند؛ ولی در دانشگاه به آن اهمیتی داده نمی‌شود و این موضوع مطالعه وسیعی را نیاز دارد تا نه تنها شان و منزلت کارمندان و استادان بالا رود بلکه باعث شکوفایی سازمان و دانشگاه نیز می‌شود.

نتیجه بحث را می‌توان چنین خلاصه کرد که دانشگاه با تغییر ریل به دانشگاه سوم و چهارم تبدیل نخواهد شد تا زمانی که بسترسازی مناسب انجام شود و سازمان و نیروهای آن متعالی شوند و به عبارتی از لوکوموتیوهای زغالی به قطارهای سریع‌السیر تبدیل شود و برای آن پیشنهاد می‌شود که مرکزی به صورت متمرکز موضوع را به صورت علمی در دانشگاه عهده‌دار شود. الگوبرداری از واحدهای موفق، الگو برداری از سازمان‌های موفق، تئوری محدودیت، تعالی سازمانی، حسابداری بهای تمام شده دانشجو در واحدها همه و همه به نقش مدیران در استفاده از ظرفیت استادان و دانشجویان در دانشگاه دارد و باز تأکید می‌شود دانشگاه در شرایط کنونی به داشتن مرکز راهبردی و پژوهشی نیاز ضروری دارد تا ضمن بررسی وضعیت گذشته دانشگاه چشم‌انداز روشنی از آینده دانشگاه داشته باشد و راه مدیران آینده را هموارتر نماید.

با این وضعیت دکتر طهرانچی نیاز ندارد مشکلات دانشگاه را شناسایی کند؛ چون همه مشکلات اقتصادی، مشکلات کارمندان، مشکلات استادان و مشکلات دانشجویان واضح و روشن است و به نظر می‌رسد هر گروه مشکلات خود را بهتر می‌دانند و برای حل آن هم بهترین پیشنهادها را دارند فقط توجه به آن و تغییر زیرساخت‌های دانشگاهی که در بعضی مواقع در گذشته مورد غفلت قرار گرفته‌است، می‌تواند حرکت در مسیر ریل‌های جدید دانشگاه را شتاب بخشد.

پایان پیام /